www.shahrvand-newspaper.ir

شهروند

سه‌شنبه

۹۸.۱.۲۷

۱۰ شعبان ۱۴۴۰ | 16 Apr 2019 |
سال هفتم | شماره ۱۶۷۰ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

در صورت تمایل برای جبران خسارات ناشی از سیل به هموطنان در استان‌های مختلف می‌توانید از راه‌های زیر اقدام کنید:

*۷۸۰*۱۱۲#

شماره حساب: ۹۹۹۹۹

نزد تمامی بانک‌های کشور به نام هلال احمر

شماره کارت: ۶۱۰۴۳۳۷۹۹۹۹۹۹۹۶

جمعیت هلال احمر

گزارش «شهروند» از حال و هوای شهر سیل‌زده‌ای که این روزها میزبان کمک مردم ایران است

مردم دوباره پلدختر را می‌سازند

صفحه ۱۰

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم:

روحیه فداکاری و امداد به سیل‌زدگان از آموزه‌های قرآن و شهداست

صفحه ۲

عکس: فرزین صالحی / rcs.ir

نماینده ولی‌فقیه در جمعیت هلال‌احمر در جمع سیل‌زدگان خوزستانی:

در کمک به سیل‌زدگان کرامت و شخصیت انسانی آنها حفظ شود

صفحه ۲

بالاخره نام نوزاد را کورش بگذاریم یا نه؟

حواشی حذف نام تاریخی در ثبت احوال همچنان ادامه دارد

صفحه ۳

دوئل هیولاها و خواب‌زده‌ها با سیما!

اوضاع بهاری سریال‌های نمایش خانگی چطور است؟

صفحه ۱۴

خطر اسپویل: اگر اپیزود اول بازی تاج و تخت را ندیده‌اید، مطلب را نخوانید

جان اسنو برابر حقیقت سخت

صفحه ۷

قوانین جدید سامانه حمل و نقل اینترنتی اعتراض بسیاری از کاربران را به همراه داشت

نقره داغ عمومی به شیوه اسنپ

صفحه ۳

گفت‌وگو با پسر گمشده‌ای که پس از ۳۲ سال مادرش را در یک برنامه تلویزیونی در عراق پیدا کرد

ماجرای عجیب یکی از بازماندگان نسل‌کشی حلبچه

صفحه ۶

سرمربی سابق آلمان‌ها همچنان به گرایشات خاص متهم است

کلینزمن نمی‌آید به ۵ دلیل

صفحه ۱۴

یادداشت یک

خدمات چهره‌های مشهور به آسیب‌دیدگان

هنگامی که مردمی دچار سیل و زلزله می‌شوند، زندگی آنان زیر و رو می‌شود، خانه و اموال خود را از دست می‌دهند و بسیاری از آنان درآمدشان را نیز از دست می‌دهند؛ چه بسا افرادی از خانواده و نزدیکانشان کشته یا مصدوم و معلول شوند و... به همین دلیل نیازهای عادی خود را نمی‌توانند تأمین کنند. نیاز به غذا و پوشاک، مسکن، امنیت، دارو و درمان و نیازهای روانی و عاطفی در منطقه زلزله و سیل‌زده به وجود می‌آید؛ هر کدام از این نیازها باید به گونه‌ای خاص تأمین شود، نیاز به امنیت از طریق پلیس و نیروی نظامی و نیازهای مادی باید از طریق یک سازوکار متمرکز و سازماندهی‌شده مثل هلال‌احمر یا جمعیت‌ها و گروه‌های امدادی و... تأمین شود. ولی نیازهای روانی و عاطفی دایره گسترده‌ای دارند و افراد بویژه افراد شناخته‌شده می‌توانند بخشی از این نیازها را تأمین کنند؛ نیاز احساس تعلق داشتن به جامعه و اینکه فرد احساس کند فراموش نشده است، اینکه مورد محبت دیگران است، اینکه مورد احترام است. اینها مواردی است که همه به آن نیاز داریم و در شرایط عادی به نحوی تأمین می‌شود ولی نیاز به این امور پس از وقوع زلزله بیشتر و تأمین آن نیز دچار اختلال می‌شود، دقیقا همان‌طور که تأمین غذا و مسکن آنان دچار مشکل می‌شود. چه کسانی بهتر از دیگران می‌توانند در جهت تأمین این نیازها اقدام کنند؟ کسانی که برای مردم شناخته‌شده هستند. ورزشکاران، هنرمندان، سیاستمداران، روحانیون و همه سرشناسان قادرند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند.

برخی از این افراد علاقه دارند که از طریق جمع‌آوری و توزیع کمک‌های مادی به کمک آسیب‌دیدگان بشتابند. این کار خوب و عالی است ولی انجام فردی آن معمولا خیلی موثر و مفید نیست. بهترین کار کمک به گردآوری این کمک‌ها و توزیع آن از طریق نهادهای عمومی یا مدنی موجود است ولی به موازات آن افراد مشهور می‌توانند با حضور مستقیم خود در منطقه و ابراز همدردی و نیز ارایه حمایت‌های روحی و روانی نشان دهند که مردم آسیب‌دیده مورد حمایت کامل قرار دارند.

فراموش نکنیم که حتی چنین حضوری نیز باید به نحوی با هماهنگی مردم و کنشگران محلی صورت گیرد. این روزها افراد زیادی برای کمک به سیل‌زدگان و کودکان آنان به مناطق آسیب‌دیده می‌روند، گر چه انگیزه آنان به طور قطع و یقین کمک به مردم است ولی معلوم نیست که در عمل نیز چنین هدفی محقق شود؛ زیرا وضعیت در آن مناطق کاملا غیر عادی است و چه بسا یک حضور هماهنگ‌نشده موجب بروز مشکلات بیشتری شود. از همه مهمتر اینکه حضور در منطقه آسیب‌دیده به تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند. باید آشنایی کلی با مردم و چگونگی مواجهه با آنان را در شرایط خاص و بحرانی داشت؛ چرا که در غیر این صورت ممکن است نتایج مثبتی حاصل نشود. برای نمونه مردم نسبت به عکس گرفتن تبلیغاتی و سلفی خیلی حساس شده‌اند و این حساسیت درست هم هست. گویی برای عکس گرفتن به آنجا می‌روند و نه کمک کردن یا ابراز همدردی.

اگر کسی می‌خواهد به منطقه آسیب‌دیده برود، باید برای خود یک مأموریت مشخص تعریف کند؛ به همین علت نیازمند داشتن اطلاعات کامل از آن منطقه است. بدون اطلاعات و آشنایی و ارتباطات محلی رفتن به هر منطقه‌ای ممکن است نه تنها مفید نباشد بلکه زیان هم به وجود آورد. باید از طریق افراد و گروه‌های آشنا به منطقه و حاضر در آنجا وارد محیط آسیب‌دیده شد. آسیب‌دیدگان حساس هستند و ممکن است واکنش‌هایی نشان دهند که مطلوب ما نباشد ولی باید وضع آنان را درک کرد و با بهترین رفتار و محبت به آنان پاسخ داد و دچار اشتباه استاندار خوزستان نباید شد و از همه مهمتر اینکه تازه ابتدای راه هستیم؛ این رفت‌وآمدها می‌تواند و می‌باید تداوم داشته باشد؛ مراحل سخت‌تر آسیب‌دیدگان در راه است.

یادداشت ۲

هشتگ بزنید میثاقی تنها نیست!

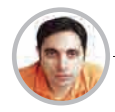

رسول بهروش

روزنامه‌نگار

برنامه محمدحسین میثاقی رسما جانشین نود شده و این شب‌ها بعد از مسابقات مختلف داخلی روی آنتن می‌رود. هربار پخش این برنامه هم خوراک مناسبی به فعالان فضای مجازی می‌دهد تا حسابی از خجالت شاگرد به‌اصطلاح «ناخلف» دربیایند و جای خالی عادل فردوسی‌پور را فریاد بکشند. میثاقی همچنان نقش اول بازی بیزاری است، برای مردمی که بیش از هر چیز دیگری به یک سوژه نفرت برای تخلیه روحی نیاز دارند؛ یک روز فلان بازیگر، یک روز فلان سلبریتی و یک روز هم فلان فوتبالیست؛ حق و ناحقش زیاد مهم نیست؛ آن چه اهمیت دارد این است که بالاخره یک نفر پیدا شود و ما دق و دلی‌مان را سرش خالی کنیم. یک نفر که در جامعه همیشه دوقطبی ما، نقش قطب شر را ایفا کند و فرصت مطلوب را برای «خیرنمایی» به ما بدهد. حالا میثاقی این نقش را بر عهده گرفته است. این که چقدر سزاوار نشستن در چنین جایگاهی است، خودش بحثی جداگانه محسوب می‌شود. پرسش کلیدی اما این است که معترضان امروز چقدر به اصولی که سنگش را بر سینه می‌زنند، وفادارند؟

کلیدواژه‌های حملات بی‌پایان به میثاقی چیزهایی شبیه نمک‌نشناسی، ناسپاسی، خیانت و جفاکاری است؛ اما آیا فکر کرده‌ایم این اصول ارزشمند در زندگی عادی و روزمره خود ما چقدر نقش دارند؟ تعارف که نداریم. برای اصلاح باید خود انتقادی کرد. اول باید ایرادها را گفت و بعد به رفع آنها امید بست. اگر از آن دسته کسانی هستید که کلیشه «ما بهترین مردم دنیا هستیم» را قبول دارند، همین حالا این مطلب را رها کنید. در غیر این صورت انصاف بدهید که پدیده‌هایی مثل زیرآب‌زنی و تصرف ناحق جایگاه دیگران چقدر در جامعه ما رایج و عادی است؟ رجحان‌دادن رابطه بر ضابطه، چنان در سرزمین ما رواج یافته که امروز اگر یک نفر روابط خاصی داشته باشد و از آن استفاده نکند، خیلی‌ها او را «بی‌عرضه» می‌خوانند. در حقیقت بسیاری از ما، آن آدم‌هایی که وانمود می‌کنیم، نیستیم. مردمی که در این کمپین‌های اجتماعی-مجازی از همه اصول والای انسانی دفاع می‌کنند، وضع کوچه و خیابان و کار و زندگی‌شان باید خیلی پاکیزه‌تر از این باشد. ما که رگ گردن‌مان برای مظلومیت عادل باد می‌کند، در زندگی خودمان چقدر پای همکار، پای رفیق، پای استاد ایستاده‌ایم؟ همین حالا که فشار اقتصادی بالا گرفته و موج‌های ویرانگر تعدیل باعث خانه‌نشینی کارگران شده، کدام همکار ابقا شده از همکار اخراجی‌اش حمایت می‌کند و اصلا به یاد اوست؟ صد البته که مهمترین توجیه این سکوت، درد معاش است؛ اما ما همین توجیه را هم برازنده امثال میثاقی نمی‌دانیم. این یک واقعیت پیچیده و تلخ است؛ خیلی از ما همیشه دوست داشته‌ایم دیگران همان چیزی باشند که ما دل‌مان می‌خواست باشیم، اما نشدیم!

یکی از مدیران بسیار محترم تلویزیون در سال‌های نه‌چندان دور، در نقد رفتار اخیر میثاقی از حکایتی قدیمی مثال می‌زد: «سال‌ها پیش، پدر من یک نفر را برای گچ‌کاری به خانه آورد. در میانه‌های راه اختلافی به وجود آمد و کار نیمه‌تمام ماند. سراغ هر کدام از گچ‌کارهای شهر که رفتیم، ادامه کار را نپذیرفتند و گفتند با خودش توافق کنید برگردد. ما هم ناچار شدیم و نفر اول را بازگرداندیم.» مثال قابل اعتنایی است، اما بیایید فرض کنیم چنین اتفاقی در زمانه فعلی رخ بدهد؛ آیا باز هم وحدت و پشتیبانی صنفی و اجتماعی را خواهیم دید؟ احتمالا این‌بار نه‌تنها گچ‌کارهای دیگر کار را قبول می‌کنند، بلکه بعضا تا جایی که بتوانند از نحوه کار نفر قبلی بدگویی هم خواهند کرد. این روزها، روزهای دیگری است. همه ما شبیه هم شده‌ایم. فرهنگ یک پدیده همگانی است. نباید آن را جزیره‌ای ببینیم. هشتگ زده‌اند که فردوسی‌پور تنها نیست، اما درست‌تر آن است که بنویسیم «میثاقی تنها نیست!»

حاشیه نویسی

آغاز عصر قانع‌ها مبارک باد!

فارغ از حاشیه‌های معمول این روزها به این ماجرای تازه نگاه کنید؛ عادل فردوسی‌پور دیگر جایی در آنتن تلویزیون ندارد، شنیدن گزارش‌هایش هم به یکی از آرزوها بدل شده (و چقدر در برد لیورپول و چلسی جای خالی‌اش احساس می‌شد تا برای تیم محبوبش فریاد بکشد و از آن جمله‌های طلایی خلق کند) و حالا گویی تابلوی تعویض بالا رفته باشد، عباس قانع به میدان گزارش فوتبال وارد می‌شود. آن هم نه در شبکه ورزش -که پیش از این هم یکی دو بار تجربه‌اش کرده بود- نه برای والیبال و فوتبال ساحلی و فوتبال شهرستان، بلکه برای گزارش بازی تیم پرطرفدار رئال مادرید از شبکه ۳.

حالا که این متن را می‌خوانید لابد گزارش دیشب او را دیده‌اید یا شنیده‌اید. بیایید تصور کنیم که در کارش موفق بوده و یکی از بهترین گزارش‌ها را ثبت کرده است و شنوندگان هم راضی بوده‌اند ولی این جابه‌جایی، این‌قدر در دلش کنایه دارد که نیاز به فرض دیگری نیست؛ این که در تلویزیون کنونی ما، جا برای عادل فردوسی‌پورها روزبه‌روز تنگ‌تر می‌شود.

ادامه در صفحه ۳

علی گنج‌کریمی رئیس اداره جوانان و دانشجویی سازمان جوانان از آسیب‌های حادثه و حمایت‌های لازم برای سیل‌زدگان می‌گوید

پس لرزه‌های روانی سیل

صفحه ۱۲

گزارش «شهروند» از هزینه برگزاری یک میهمانی کوچک خانوادگی

چه کنیم که میهمانان گرسنه نمانند؟

هزینه یک میهمانی ساده که تنها میزبان یک خانواده باشید، چیزی حدود ۴۲۰ تا ۴۵۰ هزار تومان آب می‌خورد...

صفحه ۸

صفحه ۱۶

مدیر عامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان به انتقادات جدید پاسخ داد

با این حجم از بارندگی هیچ لایروبی نمی‌توانست کمک کند

صفحه ۳

ادامه دردسرهای بازیکن معتقد پرسپولیس

چرا شایان مصلح ممنوع‌التصویر شد؟

همه چیز از یک مولودی جنجالی شروع شد؛ وقتی که اواخر شهریورماه سال گذشته شایان مصلح، مدافع پرسپولیس در یک مجلس مولودی شعری را خواند که مضمون آن...

صفحه ۱۵

«شهروند» از تمام جزییات آلرژی فصلی نشانه‌ها و راه‌های ساده برای درمان آنها گزارش می‌دهد

دردسرهای بهاری

صفحه ۱۳